



## درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۵ مهر ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۱۸- حکم نظر به تصویر زن- مقام سوم: نظر به تصویر زن- اقوال- ادله عدم جواز- دلیل اول: آیه غض

مصادف با: ۸ صفر ۱۴۴۲

جلسه: ۱۰

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در مقام سوم یعنی نظر به تصویر اجنبیه یا زن نامحرم بود؛ در مقام اول و دوم درباره نظر به مرأه من وراء الزجاج و دوربین بحث کردیم و گفتیم نظر به مرأه از پشت شیشه و دوربین مثل نظر به خود اوست. در مقام دوم نظر به مرأه در آینه و آب را بحث کردیم؛ در این مقام هم نتیجه این شد که نظر به مرأه جایز نیست، چون عرفاً همان حساب می‌شود؛ از نظر عرف فرقی بین نظر به مرأه بدون واسطه و به واسطه مرأه و آب وجود ندارد.

### مقام سوم: نظر به تصویر زن

در مقام سوم سخن از حکم نظر به تصویر مرأه است. اگر کسی معتقد باشد نظر به زن در آینه و آب متفاوت از نظر به خود مرأه است، قهراً حکمش را در این مقام باید دنبال کند. اگر در مقام دوم معتقد به این نشد که عرفاً نظر به زن با نظر به زن در آینه فرقی ندارند، یعنی این را قبول نداشت و گفت فرق می‌کند، این تصویر است و آن خودش است؛ طبیعتاً در مقام سوم هرچه راجع به تصویر بگوییم، شامل حکم نظر به تصویر زن در آینه و آب هم می‌شود. پس الان اگر بخواهیم محدوده و دامنه این بحث را معلوم کنیم، مسلماً فیلم، عکس، نقاشی، اینها داخل در محدوده بحث ماست. منظور از فیلم، همان تصویر متحرک است؛ این خودش ممکن است انواع و اقسام مختلف داشته باشد. می‌تواند عکس ثابت باشد یا می‌تواند نقاشی باشد. تئاتر و امثال آن وارد در قسم نظر به خود زن نامحرم می‌شود؛ فقط آنجا یک بحثی است که بعضی گریم‌هایی که می‌کنند یا کارهایی که انجام می‌دهند، اینها بحث متفاوتی است و باید جداگانه بحث شود. پس این سه قطعاً در دامنه و محدوده بحث ما قرار می‌گیرند. بنابر یک احتمال نظر به زن در آینه و آب هم داخل در این بحث می‌شود.

### اقوال

رئوس اقوال در این مسأله سه قول است:

۱. یکی قول به عدم جواز مطلقاً؛ یعنی به تصویر زن به طور کلی نمی‌توان نگاه کرد. فرقی بین نقاشی و عکس و فیلم وجود ندارد و همچنین فرقی ندارد. ناظر آن زن را بشناسد یا نشناسد.
۲. یک قول این است که مطلقاً می‌توان نگاه کرد؛ یعنی به تصویر المرأه چه متحرک و چه ثابت و چه آنجایی که با نقاشی تصویرگری شده باشد، می‌توان نگاه کرد و نیز فرقی بین شناخت و عدم شناخت ناظر نسبت به آن زن نیست.
۳. قول سوم هم تفصیل در مسأله است؛ این تفصیل مهم‌ترینش تفصیل بین آن فرضی است که آن زن نزد ناظر و بیننده شناخته شده باشد یا نباشد. این دو فرضی است که در این مقام در نظر گرفته‌اند.

البته تفصیلات دیگری هم اینجا ذکر شده که ما اینجا را در ادامه بیان خواهیم کرد؛ اما مهم‌ترین تفصیل این است که بالاخره اگر مثلاً کسی که به عکس و فیلم نگاه می‌کند آن زن را بشناسد، لایجوز؛ اما اگر شناسد اشکالی ندارد. یا مثلاً در مورد فیلم بین فرض زنده و مستقیم بودن فیلم و غیرمستقیم بودن آن تفصیل داده‌اند و گفته‌اند اگر مستقیم باشد، یعنی همان لحظه‌ای که دارد سخنرانی می‌کند همان لحظه هم پخش شود، این اشکال دارد؛ اما اگر مستقیم نباشد، اشکالی ندارد. به هر حال این اقوالی است که در این حوزه و در این محدوده وجود دارد. عمده این است که ما ادله این اقوال را بررسی کنیم.

### ادله قول اول (عدم جواز مطلقاً)

مقدمه

أما القول الاول و هو عدم الجواز مطلقاً. آنهایی که قائل‌اند به اینکه کلاً نظر به تصویر مرآة جایز نیست، فرقی هم نمی‌کند که بشناسد یا نشناسد، فقد استدلال له بوجوه؛ به چندین وجه بر این مسأله استدلال شده است. عمده ادله قائلین به حرمت نظر که در گذشته ذکر شده، در این مقام هم مورد استدلال قرار گرفته است. شاید حدود ده دلیل ما ذکر کردیم؛ البته ما دلالت برخی را پذیرفتیم و دلالت برخی را رد کردیم. اما اجمالاً این ده دلیل برای حرمت نظر به اجنبیه ذکر شد. حالا حرمة النظر بحشش من دون تلذذ و ریبة، والا برای فرض تلذذ و ریبة ادله خاصی اقامه شد. بحث نظر به اجنبیه، به مو، بازو، پا، دست، آیا اینجا جایز است یا نه. حالا آن ادله را بعضاً یا عمدتاً در این مقام به آن استناد کرده‌اند برای حرمت نظر به تصویر. عنایت داشته باشید که الان هیچ پیش‌فرضی هم ما نمی‌خواهیم داشته باشیم، اما این مسأله هست که در برخی ادله یک مفروض مهم در این استدلال‌ها وجود دارد و آن اینکه بین تصویر المرآة و خود مرآة فرق است. یعنی مستدل در برخی ادله کأن بر این پایه و اساس دارد استدلال می‌کند.

سؤال:

استاد: فرقی نیست، یک وقت موضوعاً می‌گوییم فرقی نیست و یک وقت هم هست که می‌گوییم از حیث شمول ادله فرقی نیست. این چیزی که اینجا می‌گوییم بحث موضوعی است؛ یعنی از نظر عرف بین خود مرآة و صورت المرآة فرق است. آن وقت داریم بحث می‌کنیم که آن ادله شامل تصویر المرآة هم می‌شود یا نه.

به عبارت دیگر ما به دو نحو اینجا می‌توانیم بحث کنیم؛ یک وقت می‌گوییم از نظر عرف هیچ فرقی بین خود مرآة و صورت المرآة نیست و عرف اینجا را یکی می‌داند؛ اگر گفتیم عرف اینجا را یکی می‌داند و مبنا و مفروض ما این بود، خود همان ادله وقتی حرمت نظر را ثابت کند قهراً حرمت نظر به تصویر را هم ثابت می‌کند و دیگر لازم نیست ما یک تقریبی برای استدلال و شمول آن ادله نسبت به تصویر ارائه دهیم. اگر موضوعاً اینجا را یکی دانستیم و اگر کسی گفت از نظر عرف تصویر المرآة همان خود مرآة است و عرف بین اینجا فرق نمی‌گذارد، در این صورت شمول ادله نسبت به تصویر المرآة بحث ندارد و شمولش قهراً می‌شود. اما اگر گفتیم اینجا دو موضوع هستند؛ تصویر المرآة یک موضوع است و خود مرآة موضوع دیگری است، ولی با اینکه بین این دو موضوعاً تفاوت وجود دارد، اما این ادله این ظرفیت را دارند که شامل تصویر المرآة هم بشوند.

این نکته را از این جهت عرض کردم که عنایت داشته باشید که قائلین به عدم جواز از دو زاویه ممکن است حکم به حرمت نظر به تصویر المرآة کنند؛ تارة از راه یکسانی موضوعی تصویر زن و خود زن، یعنی اینکه از عرف فرقی بین این دو نیست.

آخری اینکه اینها با اینکه موضوعاً دو موضوع هستند ولی ادله به نحوی است که شامل تصویر هم می‌شود. این در واقع دو دید و دو نگاه و دو زاویه ارزیابی ادله است. بعضی از ادله ممکن است فقط از زاویه اول ارزیابی شوند یا اصلاً مستدل از زاویه اول این ادله را ارائه کرده باشد و بعضی از ادله از زاویه دوم. من این نکته را تذکراً عرض کردم که عنایت به این مسأله داشته باشید.

با این نکته‌ای که اشاره شد، حالا می‌آییم سراغ ادله حرمت نظر به اجنبیه تا ببینیم آن ادله در موضوع بحث ما چه دلالتی دارند.

### دلیل اول: آیه غض

اولین دلیلی که ما قبلاً از آن بحث کردیم، آیه غض بود. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»<sup>۱</sup> این آیه معروف به آیه غض است که در این آیه امر به غض بصر شده و گفته‌اند غض البصر بر حرمت نظر دلالت می‌کند. دقت بفرمایید؛ من اصل تقریب استدلال به این آیه بر حرمت نظر به خود مرأه را فعلاً عرض می‌کنم. می‌گویند «بغضوا من ابصارهم» امر به غض البصر در این آیه فرو بستن چشمان، بستن پلک‌ها، اینها دلالت می‌کند بر حرمت نظر به اجنبیه مطلقاً. بحث تلذذ و شهوت و ریه و اینها هم مطرح نیست. این دلالتش هم مطابقی است؛ یعنی هیچ ضمیمه و تکیه بر لازم و ملازمه و امثال اینها نیاز ندارد. باید مؤمنان فرو ببندند چشمانشان را، از چه چیز؟ به چه کسی؟ چگونه؟ اینجا معرکه آراء است. من اجمالی از این بیان مستدل را عرض می‌کنم و بعد وارد در توضیح آیه می‌شویم که خود توضیح آیه با توجه به اینکه ما اوایل سال گذشته به تفصیل درباره‌اش بحث کردیم و این آیه از آیاتی است که به کرات مورد توجه و بحث و گفتگوست، یک مرور خیلی اجمالی بر این آیه خواهیم داشت.

اما اصل مسأله این است که می‌گوید این آیه امر به غض بصر کرده و غض البصر عن المرأة طبق فرض، یعنی نظر به اجنبیه، این به طور کلی جایز نیست؛ همانطور که مردان باید چشمانشان را از خود زنان ببندند، از تصویرش هم باید ببندند. این اطلاقی که در این آیه وجود دارد اقتضا می‌کند که دقیقاً این حرمت در مورد تصویر هم جاری و ساری باشد. اگر قرار باشد مؤمنین از زنان چشمانشان را ببندند، تصویر المرأة را هم می‌توانیم بگوییم خود زن است یا به نوعی با توجه به تعلیلی که در ذیل آیه آمده که «و ذلك ازکی لهم»، این معلوم می‌شود که فرقی بین تصویر و خود مرأه نیست. در این دلیل کاری به یکسانی موضوعی این دو ندارد؛ می‌گوید همان حکمی که برای نگاه مرد به خود زن جاری است، برای نگاه به تصویر هم جریان دارد.

### بررسی دلیل اول

این یک اجمال بود؛ من ناچارم در مورد آیه یک توضیحی بدهم که این توضیح را مفید می‌دانم. چون کسانی که این آیه را دال بر حرمت نظر به زن می‌دانند، بین آنها اختلاف است؛ در تقریب استدلال و در محدوده این دلیل اختلاف نظر وجود دارد. الف) در مورد معنای غض سه احتمال وجود دارد؛ اینکه اصلاً غض به چه معناست.

۱. تضعیف البصر عن حدة النظر.

۱. سوره نور، آیه ۳۰.

۲. اطلاق الجفن على الجفن؛ یعنی بستن پلک‌ها و قراردادن پلک‌ها بر روی هم.

۳. ترک النظر. حالا این معنای حقیقی است یا کنایی، فعلاً با این کاری نداریم اما این سه معنا برای غض گفته شده است.

ب) در مورد «من» چهار احتمال وجود دارد: من زائده، تبعیضیه، ابتدائیه و بیانیه؛ هر کدام از اینها قائل هم دارد.

ج) درباره متعلق غض تقریباً هشت احتمال ذکر کردیم؛ اینکه اصلاً به چه چیزی متعلق شده است. اینکه در آیه می‌فرماید: «قل للمؤمنین يغضوا من ابصارهم» این غض بصر از چه چیز؟ اینجا هشت احتمال ذکر شد و فهرست این احتمالات ذیلاً عرض می‌شود.

۱. اینکه متعلق غض بصر، عام است؛ به دلیل اینکه متعلق حذف شده و حذف المتعلق یدل علی العموم که این شامل نساء هم می‌شود. اینکه سایر اشیاء چگونه خارج می‌شوند، این بحث دیگری است.

۲. ما لا يحل النظر اليه أو ما يحرم النظر اليه. بعضی‌ها مثل شیخ طوسی معتقدند اینجا غض بصر متعلق شده به آن چیزی که نظر به آن حرام است یا حلال نیست.

۳. متعلق غض بصر اجنبیات است.

۴. متعلق غض بصر عورة المماثل است.

۵. مطلق العورة من المماثل أو غیرمماثل. در مورد قبلی عورة المماثل بود ولی اینجا مطلق عورت است.

۶. متعلق غض بصر غیرالمماثل مطلقاً و عورة المماثل.

۷. ما يجب ستره؛ آنچه که سترش واجب است. احتمال دوم می‌گوید ما يحرم النظر اليه، ولی این می‌گوید ما يجب ستره. البته هم طبق احتمال هفتم و هم طبق احتمال دوم، با دلیل دیگر باید معلوم شود که ستر چه چیزهایی واجب است یا نظر به چه چیزهایی حرام است و حلال نیست.

۸. متعلق غض البصر فقط وجه و کفین است.

همه این هشت احتمال تقریباً بین بزرگان و اعلام قائل دارد.

د) آن وقت در مورد معنای این آیه هم تقریباً هشت نظر وجود دارد که طبق بعضی از این آراء و انظار، آیه قابلیت استدلال دارد و طبق برخی ندارد.

۱. مثل محقق اردبیلی که متعلق غض بصر را عام می‌داند، چون معتقد است حذف المتعلق یدل علی العموم؛ او می‌گوید مسلماً آیه دلالت بر حرمت نظر به اجنبیه دارد. ما اشکالات و بحث‌ها را گفته‌ایم و اینجا دیگر وارد این مسائل نمی‌شویم.

۲. یک نظر این بود که آیه دلالت بر حرمت نظر به زن مطلقاً دارد، ولی علاوه بر این یک حکم دیگر هم از آیه استفاده می‌شود و آن هم حرمت النظر الی عورة المماثل. اگر به خاطر داشته باشید مرحوم آقای داماد این عقیده را دارند که این نظر را هم ذکر کردیم.

۳. سوم اینکه آیه دلالت بر حرمت نظر به مرأه مطلقاً دارد، منتهی از این باب که غض البصر مقدمه ترک النظر است که برخی از بزرگان و بسیاری به آن معتقدند.

تقریباً طبق این سه بیان، آیه دلالت بر حرمة النظر الى المرأة دارد. اینها می‌گویند وجه و کفین را هم شامل می‌شود؛ منتهی بعضی معتقدند وجه و کفین به دلیل دیگری خارج می‌شود.

پنج نظر و رأی دیگر هم اینجا وجود دارد که براساس آنها این آیه دلالت بر حرمت نظر به مرأه ندارد مطلقاً.

۴. یک گروه معتقدند که آیه اصلاً مجمل است؛ کسانی که دلالت آیه را بر لزوم غض بصر عما یحرم النظر الیه می‌دانند، مثل شیخ طوسی؛ اینها می‌گویند این آیه مجمل است. چون ما لا یحل النظر یا ما یحرم النظر الیه در این آیه بیان نشده است. ما باید برویم سراغ آیات دیگر و ببینیم آنها چه گفته‌اند. لذا این آیه مجمل است.

۵. بعضی مثل مرحوم آقای خویی عقیده‌شان این بود که اصلاً این آیه بالمرأه اجنبی عن النظر الى الاجنبیة و الاجنبی؛ فرق نمی‌کند، چه نگاه مرد به زن و چه نگاه زن به مرد؛ چون در ادامه دارد که «قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن». لذا این اصلاً ربطی به حرمت نظر به مرأه ندارد. پس آیه در واقع این را می‌خواهد بگوید که هر کسی به طور کلی قید استمتاع جنسی از جنس مخالف را باید بزند. به طور کلی «غض البصر ای صرف النظر و قطع النظر بتمامه»؛ یعنی به کلی از زن رویگردان شود.

سؤال:

استاد: می‌گوید فیما یختص بالاستمتاع الجنسية. لذا می‌گوید هرگونه استمتاع جنسی، حتی اگر نظر هم باشد، این اشکال دارد. ولی اگر کسی می‌خواهد معامله کند، از شمول این آیه خارج است. آیه دلالت بر حرمة النظر الى المرأة مطلقاً ندارد.

۶. مرحوم آقای حکیم معتقد بود که این آیه اساساً در مقام بیان حرمة النظر الى العورة است و هیچ ارتباطی به مسأله ما ندارد. البته مرحوم علامه طباطبایی هم نظرشان همین است.

۷. بعض استاذتنا معتقدند که غض البصر عما یجب ستره باید کند؛ یعنی آیه امر می‌کند به غض البصر عما یجب ستره، بدون اینکه متعرض بیان مایجب ستره شده باشد. ولی یک قرائنی وجود دارد که دیگر آن قرائن را ذکر نمی‌کنم.

۸. آیه در مقام منع از نظر استقلالی به خصوص وجه و کفین است. یعنی اصلاً متعلق غض بصر را وجه و کفین می‌دانست. غض البصر را می‌گوید یعنی فروکاستن از نگاه. قرائن این احتمال زیاد است؛ مرحوم آقای مطهری این عقیده را دارد و ما در بین سایر انظار و آراء تا حدی این نظر را تقویت کردیم که غض بنابر ادعای اکثر لغویین، به معنای بستن پلک‌ها نیست، اطباق الجفن علی الجفن نیست. به نظر اکثر لغویین همان فروکاستن و کم کردن از نگاه است؛ یعنی مثلاً زل نزند و خیره نشود؛ نگاه آلی و ابزاری داشته باشد. «من» را هم توضیح دادیم که اظهر این است که اینجا زائده باشد. هشت احتمالی که در مورد متعلق غض بصر گفتیم، آن را هم گفتیم که به نظر می‌رسد متعلقش وجه و کفین است. لذا اساساً این آیه در مقام منع از نظر استقلالی به دست‌ها و صورت است.

خلاصه اقوال درباره آیه

پس مجموعاً براساس سه قول، حرمة النظر الى المرأة از این آیه استفاده می‌شود. اما طبق پنج قول و پنج احتمال که گفتیم، تقریباً حرمة النظر الى الاجنبیة قابل استفاده نیست. البته با یک تسامح چون تعدادی از این اقوال و احتمالات به نوعی می‌توان

دلالتش را بر حرمت نظر به مرأه استفاده کرد؛ اما اجمالاً این آیه طبق یک دیدگاه به طور کلی دلالت بر حرمة النظر الى الاجنبية ندارد؛ طبق یک دیدگاه دلالت بر حرمة النظر الى الاجنبية دارد.

### بررسی استدلال طبق اقوال مختلف

با ملاحظه این نکاتی که عرض کردیم، می‌خواهیم ببینیم از این آیه طبق هر دو دیدگاه آیا می‌توانیم حرمة النظر الى تصوير المرأة را استفاده کنیم یا نه. هشت قول در اینجا وجود دارد؛

علی‌المبنى المختار این آیه بر حرمة النظر الى المرأة دلالت ندارد فضلاً عن الدلالة على حرمة النظر الى تصويرها. گفتیم این آیه اصلاً می‌گوید نظر استقلالاً به دست و صورت زن جایز نیست و از خیره شدن منع می‌کند. پس طبق یک مبنا اصلاً بر حرمة النظر دلالت نمی‌کند، چه رسد به اینکه بخواهد حرمة النظر الى تصويرها را اثبات کند. طبق بعضی از انظار دیگر، این کاملاً روشن است. مثلاً مثل مرحوم آقای حکیم که می‌گوید این دلالت بر حرمة النظر الى العورة می‌کند، این هم در این بحث قابلیت استدلال ندارد. حرمة النظر به مرأه را ثابت نمی‌کرد، چه برسد به اینکه بخواهیم درباره تصویر از آن استفاده کنیم. یا مثلاً شیخ طوسی که این آیه را مجمل می‌داند. آقای خوبی می‌گوید اجنبی بالمره عن النظر الى الاجنبية؛ می‌گوید بالمره این آیه از بحث نظر بیگانه است، ولی یک ذیلی دارد که از آن ممکن است بتوانیم یک استفاده‌ای کنیم که این را خواهیم گفت. چون ایشان می‌گوید آیه در مقام امر به صرف النظر فيما يختص بالاستمتاع الجنسية است.

لذا کسانی که معتقدند این آیه دلالت بر حرمة النظر الى الاجنبية ندارد، قهراً در مورد تصویر هم همین را می‌گویند؛ دیگر نمی‌توانند به آن آیه در بحث تصویر استناد کنند.

اما کسانی که قائل به دلالت آیه بر حرمة النظر الى المرأة هستند، آیا آنها حرفشان درست است؟ می‌خواهیم ببینیم طبق نظر آنها می‌شود به این آیه برای حرمة النظر الى تصوير المرأة استفاده کرد یا نه. این بحثی است که ان شاء الله فردا آن را دنبال خواهیم کرد.

### سؤال:

استاد: برای اینکه می‌گوید کسی که کاری ندارد، هیچ قصدی ندارد، ... اینجا اساساً به همین دلیل و ادله مشابه می‌گوییم حتی نظر من دون تلمذ و ريبه اگر غیرآلی باشد، این محل اشکال است. ... گفتگو، معامله، خرید، کار، نیازهای متعارف، سلام و علیک، احوالپرسی. ... طبق مبنای ما که گفتیم این بالمره از نظر به بدن مرأه بیگانه است؛ چون این منع می‌کند از نظر استقلالاً به وجه و کفین و این کاری به جسد المرأة ندارد. ... تصویر وجه و کفین موضوع دیگری است. ما در مورد مستثنی حرف نمی‌زنیم، در مورد مستثنی منه حرف می‌زنیم. آن مسأله دیگری است که حالا خصوص وجه و کفین، همانی که یجوز النظر، این چطور؟ این خودش یک مسأله مستقلى است.

«والحمد لله رب العالمين»